

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره
چهارم (پیاپی ۱۲) زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۰۷۶-۳۰۶۴
جرایم سیاسی و مصادیق آن در حقوق ایران و موازین بین‌المللی

سمیه رضا اوغلی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

رضا فانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲

دادیار هادی^۳

چکیده

جرم سیاسی هر عمل مجرمانه‌ای است که نتیجه‌ی آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و صدمه به زمام‌داری کشورها یا به مقامات سیاسی و رئیس کشور باشد. حاکمان و دست‌اندرکاران حکومت خصوصاً قضات در هر عصر و زمان حسب اراده قاهره یا قراردادهای اجتماعی و مقررات موضوعه یا باورهای دینی در جهت حفظ و حراست از مصالح یا رعایت حقوق شناخته شده افراد یا جامعه و تنظیم روابط اجتماعی و به منظور جلوگیری از تجاوز، تعدی و زیاده‌طلبی برای مجازات، کیفر و تنبیه مجرمان، روش‌های مختلف و متعددی را اعمال نموده‌اند. جرم سیاسی در حقوق ایران در اصل ۱۶۸ قانون اساسی مورد توجه واقع شده است. اصلی‌ترین پیام اصل ۱۶۸ که مقرر می‌دارد؛ رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. در حقوق ایران بنا به دلیل فقدان قانون اختصاصی و متناسب در همین زمینه، در سال ۱۳۹۵، قانونی تحت عنوان قانون جرم سیاسی مورد تصویب مقنن قرار گرفت که براساس مقررات موجود در آن، دستگاه قضایی می‌تواند مبتنی بر قانون اختصاصی جرم سیاسی و شرایط حاکم بر دادرسی و صدور حکم آن، رسیدگی و صدور حکم نماید و دیگر از استناد به مواد عمومی قانون مجازات اسلامی برای برخورد با این جرم‌رهای یابد. در دو دهه اخیر در جوامع بین-المللی تلاش‌های بسیاری شده تا تعریفی واحد از جرم سیاسی و مصادیق آن ارائه شود یا به صورت غیرمستقیم، مصادیق آن را معرفی کنند. به‌گونه‌ای که قواعد و قوانین داخلی کشورها را در زمینه‌ی نحوه نگرش به جرائم سیاسی تحت تأثیر قرار بدهند. این تلاش‌ها در عرصه بین‌الملل منجر به تصویب اسنادی به صورت صریح و برخی به صورت ضمنی شده است. در کنفرانس بین‌المللی حقوق جزا در سال ۱۹۳۵ (کپنهاگ) جرایمی که علیه تشکیلات و انجام وظایف مهم و اساسی کشور انجام می‌گیرد و همچنین جرایمی که علیه حقوق سیاسی افراد کشور صورت می‌گیرد را در زمره جرائم سیاسی به حساب می‌آورند.

کلید واژه‌ها: مجرم، جرم سیاسی، قوانین ایران، موازین بین‌الملل.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل، ایران

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ایران

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ایران

اصطلاح «جرم سیاسی» در قرن نوزدهم میلادی وارد قوانین جزایی کشورها شد و باعث تغییر نگرش نسبت به مجرمان سیاسی گشت. این رویکرد، امتیازاتی با عنوان «رژیم ارفاقی» برای آنان به همراه داشت. به علت جامع و مانع نبودن تعریف جرم سیاسی در عرف بین‌المللی، پس از گذشت نزدیک به یک قرن از این تحول، دایره شمول جرم سیاسی برای پیش‌گیری از سوءاستفاده مجرمان حرفه‌ای محدود گردید و جرم‌هایی مانند جاسوسی، خیانت به کشور و تروریسم دست کم از مزایای سیاسی بی‌بهره شدند. با این حال، چون تعریف روشنی از مفهوم جرم سیاسی در مدت دو قرن صورت نگرفته است، هنوز کشورها، سازمان‌ها و مؤسسه‌های بین‌المللی و حقوق دانان برداشت یکسانی از آن ندارند. فقه جزایی اسلام از چهارده قرن پیش، جرایم بر ضد حکومت را از جرم‌های عادی تفکیک کرده و واکنش خاصی نسبت به آن نشان داده و امتیازهایی برای این مجرمان در نظر گرفته است. جرم بغی را که در فقه جزایی اسلام مطرح شده است؛ می‌توان یکی از بارزترین و مهم‌ترین مصادیق جرم سیاسی در حقوق موضوعه دانست. مجرمان سیاسی به دلیل داشتن اندیشه اصلاحی و نسبی بودن جرم سیاسی، شایسته برخورداری از امتیازهای رژیم ارفاقی هستند.

۱- مفهوم جرم سیاسی

از دیدگاه علمای حقوق، جرم سیاسی به عمل مجرمانه‌ای گفته می‌شود که با هدف واژگون کردن نظام سیاسی، اجتماعی و برهم زدن نظم و امنیت کشور ارتکاب یابد (بورتیمور، ۱۳۷۷، ص ۱۹). پس جرم سیاسی هر عمل مجرمانه‌ای است که نتیجه‌ی آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و صدمه به زمامداری کشورها یا به مقامات سیاسی و رئیس کشور باشد. این جرم ممکن است به تنهایی یا به همراه سایر جرایم عمومی اجتماعی و امنیتی اتفاق بیفتد. تعریفی که توسط کنفرانس بین‌المللی حقوق جزا در سال ۱۹۳۵ (کنهاگ) ارائه شده جرایمی که علیه تشکیلات و انجام وظایف مهم و اساسی کشور انجام می‌گیرد و همچنین جرایمی که علیه حقوق سیاسی افراد کشور صورت می‌گیرد جرایم سیاسی به حساب می‌آیند (بورتیمور، ۱۳۷۷، ص ۲۵). به نظر می‌رسد که در تعاریفی که از این جرم از سوی حقوق‌دانان و مجامع مختلف بین‌المللی مطرح شده: گروهی هدف را معیار تشخیص می‌دانند و دسته‌ای دیگر انگیزه را و برخی دیگر معتقدند که هر جرمی که برخلاف قواعد مربوط به حفظ امنیت داخلی (یعنی امنیت حکومت و دستگاه رسمی مملکت) باشد سیاسی است. جرم سیاسی در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی و اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی به اختصار آورده شده است (احمدوند، ۱۳۸۴، ص ۶۵). قوانین مزبور ضابطه‌ای خاص در این زمینه بدست نداده و تعریف آن را به قوانین عادی احاله کرده‌اند. قوانین عادی نیز همچون قانون اساسی به ذکر صرف محکومیت‌های سیاسی اکتفاء کرده‌اند. البته ماده ۴ لایحه مجازات اسلامی جرم سیاسی و مصادیق آن را این چنین تعریف کرده: هر یک از اعمال زیر چنانچه با قصد مخالفت با نظام

جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد و متضمن خشونت نباشد، جرم سیاسی محسوب و مرتکب به حبس از شش ماه تا دو سال یا اجبار به اقامت در محل معین یا منع از اقامت در محل معین از دو سال تا سه سال و محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت پنج سال محکوم خواهد شد (پاشا صالح، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰).

۲- مجرمین سیاسی

مجرمین سیاسی افرادی هستند که مرتکب جرم سیاسی می شوند و عمده ترین هدف و انگیزه شان از ارتکاب به این جرم مختل کردن تشکیلات یک حکومت و ضربه و صدمه زدن به ساختارهای اساسی و مهم یک حکومت می باشد. در هر کشوری یک سری قوانین وجود دارد که اگر افراد خلاف آن قوانین فعل یا ترک فعلی انجام دهند مجازات خواهند شد چون بر علیه قانون کشور مزبور عملی انجام داده و باعث ایجاد اختلال در نظم عمومی کشور و امنیت داخلی آن شده و ضمانت اجرای تخطی از قوانین هر کشوری نیز مجازات نمودن مجرمین آن کشور است (اردبیلی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱).

۳- مفهوم جرم سیاسی در حقوق بین المللی

کنوانسیون های متعددی تشکیل شده و به بررسی جرم سیاسی پرداخته شده که به برخی از آنان اشاره می شود. کنفرانس بین المللی وحدت حقوق جزایی به سال ۱۹۳۵ میلادی که در کپنهاگ جرایم سیاسی را این گونه تعریف کرده است: جرایمی هستند که علیه تشکیلات کشوری انجام می گردد به عبارت دیگر جرایمی هستند که علیه تشکیلات و طرز اداره ی حکومت صورت می گیرد. همچنین موسسه ی حقوق بین الملل به سال ۱۹۸۲ میلادی در ژنو در مورد جرم سیاسی چنین تصمیم گرفت: جرایمی که ضد مبانی هرگونه تشکیلات اجتماعی ارتکاب یابد و هدف آن یک کشور معین یا شکل خاصی از حکومت باشد و آن را بتوان زیر سوال برد (ایمانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱).

از این دو تعریف متوجه می شویم که به انگیزه و هدف توجیهی نشده در حالی که در تمام جرایمی که مجازاتی برایشان در قوانین مشخص شده باید فرد مجرم دارای انگیزه و قصد بوده و برای شروع به جرم شرایط خاصی لحاظ شده و فردی که دارای انگیزه نبوده و در حال اضطرار و اکراه است هر کدام شرایط خاص خود را در دادرسی پیدا می کنند. و قوانین حاکم بر شرایط و حالت متعدد، مختلف است (معتمد، ۱۳۶۷، ص ۱۲۱).

پس تشخیص ضابطه ی عینی از ذهنی در کشف جرم و مجرم شناختن فرد بسیار مهم است ولی در این جا فقط به موضوع تحقق یافته ی جرم سیاسی و یا همان ضابطه ی عینی جرم مزبور پرداخته است. در بعضی از مجامع بین المللی جرم سیاسی را چنین تعریف کرده اند:

الف- کنفرانس بین المللی وحدت حقوق جزا سال ۱۹۳۵ م. در کپنهاگ دانمارک:

جرایمی که علیه تشکیلات و انجام وظیفه تشکیلات و انجام وظیفه کشور انجام می‌گیرد و همچنین جرایمی که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و همچنین حقوق ناشی از آن برای افراد، ارتکاب شود. شایان گفتن است که در قطعنامه مصوب کپنهاگ تصریح شده است که: «جرایمی که مرتکب آن هدف خودخواهانه و حقارت آمیز داشته باشد، سیاسی تلقی نمی‌شود» (اردبیلی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳).

ب- مؤسسه حقوق بین الملل در سال ۱۹۸۲ م. در «ژنو» تصمیم زیر را اتخاذ کرد:

«جرایمی که بر ضد مبانی هرگونه تشکیلات اجتماعی ارتکاب یابد و هدف آن یک کشور معین و یا شکل خاص حکومت نباشد، جرم سیاسی به شمار نمی‌آید». مفهوم مخالف آن، چنین است که اگر هدف مجرم، کشور معین یا شکل خاصی از حکومت باشد، جرم مورد نظر، سیاسی خواهد بود.

ج- بررسی جرم سیاسی در کشورهای مختلف:

ماده ۲۸ قانون مدنی ایتالیا: از نظر اجرای قانون جرمی که علیه حقوق سیاسی شهروندان انجام می‌شود، جرم سیاسی است. همچنین جرایم غیر سیاسی که همه یا بعضی انگیزه‌های ارتکاب آن سیاسی باشد، جرم سیاسی است. متأسفانه در قانون فرانسه تعریف روشنی از این جرم به میان نیامده است و فقط در مقدمه‌ی قانون ۱۹۲۷ میلادی آن کشور راجع به استرداد مجرمین سیاسی این گونه تعریف کرده: مجرم سیاسی کسی است که شور و حرارت ناشی از عقیده‌ی سیاسی به اندازه‌ی او را به جلو رانده است که مرتکب خلاف قانون شده است (پیوندی، ۱۳۸۲، ص ۵۰).

قانون مدنی عراق: جرمی که با انگیزه‌ی سیاسی و یا علیه حقوق سیاسی فردی یا عمومی از افراد جامعه ارتکاب یابد.

قانون مدنی سوریه: مجرمی سیاسی است که در آن انگیزه‌ی سیاسی داشته باشد یا اینکه جرم سیاسی علیه حقوق سیاسی فردی و عمومی انجام شود به شرطی که مجرم انگیزه‌ی شخصی در آن نداشته باشد. در قوانین دو کشور اخیر یعنی عراق و سوریه ضابطه‌ی ذهنی و درونی در نظر گرفته شده و از آن تحت عنوان انگیزه یا قصد می‌توان نام برد، اما در قوانین کشورهای اروپایی انگیزه یا همان ضابطه‌ی ذهنی مطرح نیست و فقط خود جرم سیاسی و ضابطه‌ی عینی جرم مطرح است ولی باید اذعان کرد که در قوانین دو کشور سوریه و عراق به نسبت قوانین دیگر کشورهای نام برده نقصی بوده و به ضابطه‌ی عینی که تحقق جرم را مطرح کرده توجهی نکرده است که این خود بسیار بحث برانگیز است. در قانون ایران، جرم سیاسی وضعیت مشخصی ندارد. اگرچه نامش در قانون اساسی آمده ولی تا به حال تعریف ثابت و مشخصی برای جرم سیاسی از سوی قانون‌گذار ارائه نشده و مصادیق آن نیز همچنان در ابهام باقی مانده است (پیوندی، ۱۳۸۲، ص ۵۱).

براساس ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده ۱ این قانون، جرم سیاسی محسوب می شوند.

الف- توهین و افتراء به روسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان، اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان؛ ب- توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو ایران وارد شده است، با رعایت مفاد ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات. پ- جرائم مندرج در بندهای «د» و «ه» ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۰۶/۰۷؛ ت- جرائم مقرر در قوانین انتخاباتی خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهرو روستا به استثناء مجریان و ناظران انتخابات؛ ث- نشر اکاذیب.

ماده ۲ قانون جرم سیاسی در قالب ضابطه احصاء، برخی از جرائم را در صورتی که شروط مقرر در ماده ۱ همین قانون را دارا باشند، به عنوان جرم سیاسی معرفی نموده است. این ضابطه مورد توجه قانونگذار ایرانی قرار گرفته است، اما استناد به قوانین مختلف در احصاء جرائم، در این ماده مغایر با ضابطه احصاء می باشد، زیرا غالباً در ضابطه احصاء، قانونگذار به طور صریح، تعیین جرم و مجازات می نماید و این در حالی است که در ذیل ماده برخی از عناوین قابل مجازات و برخی دیگر فاقد عنوان مجرمانه در قوانین عادی می باشد و این موضوعات مغایر اطلاق قاعده احصاء و جرائم به عنوان یک ضابطه مورد پذیرش در قانون جرم سیاسی می باشد (رفسنجانی مقدم و حسن پور، ۱۳۹۵، ص ۷۰). براساس ماده ۳ قانون جرم سیاسی: «مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرائم زیر جرم سیاسی محسوب نمی شود:

الف- جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات؛ ب- سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی؛ پ- آدم ربایی، گروگان گیری؛ ت- بمب گذاری و تهدید به آن، هواپیماربایی و راهزن دریایی؛ ث- سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی؛ ج- حمل و نگهداری غیرقانونی، قاچاق و خرید و فروش سلاح، مواد مخدر و روانگردان؛ چ- رشاء و ارتشاء، اختلاس، تصرف غیر قانونی در وجوه دولتی، پولشویی و اختفای اموال ناشی از جرم مزبور؛ ح: جاسوسی و افشای اسرار؛ خ- تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ و کشتار و درگیری؛ د- اختلال در داده ها یا ساماندهی رایانه ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی؛ ذ- کلیه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرائم ارتكابی به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حامل های داده یا غیر آن. گفتنی است که در طرح مصوب ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی که مورد ایرادات شورای نگهبان قرار گرفت. در صورت وجود انگیزه سیاسی

و قصد تدارک جرم سیاسی یا تضمین هدف‌های آن و یا تسهیل وقوع آن، باز هم جرایم خشونت آمیز از اعداد عناوین و مفاهیم جرایم سیاسی خارج شده بود در آن ماده ذکر شده بود. جرائم خشونت آمیز ذیل جرم سیاسی محسوب نمی‌گردد، هرچند با انگیزه سیاسی و به قصد تدارک جرم سیاسی یا تضمین هدف‌های آن و یا تسهیل وقوع آن تحقق یافته باشد...» و این موضوع در حالی است که مقنن در قانون جرم سیاسی، قیود و اوصاف مذکور را حذف نموده است و ماده ۳ به شرح مذکور تصویب گردیده است. ضابطه مقنن در ماده ۳ برخورد جرائم خشونت آمیز از مفهوم جرم سیاسی می‌باشد، از این جهت یک ماده از قانون به این موضوع اختصاص یافته است و این در حالی است که ضابطه مذکور به طور کامل با توجه به ماهیت جرائم مورد توجه قرار نگرفته است (رحمانی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۰).

نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی و مقررات مربوطه به هیأت منصفه مطابق با قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ است.

براساس ماده ۵ قانون جرم سیاسی، تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است، متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به سیاسی بودن اتهام خود ایراد کند مرجع رسیدگی کننده طی قراری در این مورد اظهارنظر می‌نماید. شیوه صدور و اعتراض به این قرار تابع مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری است. ماده ۵ ق.ج.س حق ایراد به اتهام را توسط به متهم تقنین نموده است و در این راستا در ماده ۵ مقرر گردیده است: «... نسبت به سیاسی بودن اتهام خود ایراد کند». این در حالی است که این عبارت برخلاف قاعده و اصول می‌باشد، زیرا اتهام و جرم سیاسی قابل انتساب به اشخاص صرف نظر از انگیزه شرافتمندانه و محبوبیت اجتماعی از نظر قانون (ماده ۶) دارای مزایا و امتیازات متعددی می‌باشد و بدیهی است که در رویه عملی با لحاظ امتیازات و جنبه ارفاقی مقررات داخلی و خارجی نسبت به متهم یا مجرم سیاسی ایراد به سیاسی بودن اتهام، محل تأمل است، و ایراد به سیاسی بودن، بر فرض اینکه به این معنا باشد که متهم ادعا نماید که عمل یا اعمال ارتكابی فاقد وصف سیاسی می‌باشد، فاقد ثمره می‌باشد و در صورتی که مراد قانونگذار به این مفهوم حمل شود که متهم نسبت به اتهام خود مبنی بر اینکه اتهام سیاسی از نحوه نگارش اصطلاحات و الفاظ، مفید این مطلب نمی‌باشد و توجه این موضوع نیازمند اصلاح و بازنگری در الفاظ می‌باشد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵، از تعریف جرم سیاسی تا امتیازات مجرم سیاسی در دوران محکومیت).

براساس ماده ۶ قانون جرم سیاسی، موارد زیر نسبت به متهمان و محکومان جرایم سیاسی اعمال می‌گردد:

الف- مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی؛ ب- ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس؛ پ- ممنوعیت اجرای مقررات ناظر بر تکرار جرم؛ ت- غیرقابل استرداد بودن مجرمان سیاسی؛ ث- ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی به جز در

مواردی که مقام قضایی بیم تبانی بدهد یا آن را برای تکمیل تحقیقات ضروری بداند، لکن در هر حال مدت آن نباید بیش از ۱۵ روز باشد؛ ج- حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس؛ چ- حق دسترسی به کتب نشریات رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس.

در این ماده، مقنن متأثر از اصول و قواعد بین المللی و داخلی، در قالب ۷ بند امتیازات و مزایایی را برای مجرمین و متهمین سیاسی در ایام بازداشت (تحت قرار) و محکومیت تصویب نموده است که برخی از این امتیازات و ارفاق ها از حقوق طبیعی و مسلم همه شهروندان می باشد و منحصر به مجرم یا متهم سیاسی نمی باشد بلکه مجرم یا متهم عادی نیز از آنها بهره مند هستند و آیین نامه های مرتبط با سازمان زندان ها نیز آنها را مورد توجه قرار داده است. حق ملاقات و مکاتبه یا حق دسترسی به کتاب، رادیو، تلویزیون و ممنوعیت حبس به صورت انفرادی از جمله آنها می باشد. مزایای اخیر منحصر به مجرم سیاسی نمی باشد، بلکه سایر مجرمین نیز از این مزایا برخوردار می باشند. به نظر می رسد از این جهت در نحوه قانون نویسی قانونگذار ایراد وارد می باشد، زیرا مقنن در مقام انحصار و تبیین فصل امتیاز و جنبه های ارفاقی نسبت به مجرمین سیاسی می باشد و ذکر حقوق مشترک با مجرمان عادی برخلاف روح قانون و اصول قانونگذاری می باشد. اصطلاحات و الفاظ «بیم تبانی و ضرورت تکمیل تحقیقات» در بند «ث»، قابل توسعه و تفسیر می باشد و از الفاظی است که ممکن است تفاسیر متعدد از آنها شود و این تفاسیر و برداشت ها به صورت سلیقه ای موجب تضییع حقوق مجرم یا متهم سیاسی گردد از این جهت تبیین مفاهیم مذکور شایسته شأن قانونگذار می باشد. در بند «ج» ماده ۶، صرفاً حق ملاقات و مکاتبه با اقرباء تصریح شده است و در خصوص حق ملاقات با وکیل و مشاوره حقوقی مجرم در طول مدت حبس اشاره نشده است و این در حالی است که ملاقات با وکیل می تواند به عنوان یک ابزار دفاعی موثر باشد (پاشا صالح، ۱۳۹۵، ص ۱۷۶).

برخلاف صدر ماده ۶ و تصریح بندهای الف، ب، و ث، مبنی بر بهره مندی مجرمین و متهمین سیاسی در ایام حبس و بازداشت (تحت قرار) بندهای ج و چ که صرفاً لفظ حبس را استعمال نموده است و این در حالی است که غالباً لفظ حبس به عنوان یک مجازات معین در دادنامه لحاظ می گردد و بازداشت ممکن است به طور موقت در قالب صدور قرارهای تأمین انجام گردد و بازداشت موقت یکی از قرارهای تأمین می باشد و ممکن است متهم به علت عجز از معرفی کفیل یا عدم تودیع وثیقه بازداشت باشد از این جهت حسب ظاهر، بندهای ج و چ در ایام بازداشت (تحت قرار) حق ملاقات و حق دسترسی به کتب و نشریات به عنوان یک امتیاز ارفاقی مجرم و متهم سیاسی قابل استفاده نمی باشد. این نحوه قانون نویسی و عدم به کارگیری اصطلاحات علمی در متن قانون موجب تضییع حقوق مجرمین و متهمین سیاسی می شود که با روح قانون همخوانی و مطابقت ندارد و بر مقنن ایرانی اصلاح این موضوع واجب و لازم می باشد (رحمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۳).

به علت گستردگی جرائم سیاسی تقسیم بندی های متعددی در علوم سیاسی در این باره صورت گرفته و یکی از متداول ترین آنها بر مبنای خشونت بار بودن و غیرخشونت بار بودن جرائم سیاسی است. در ادامه به توضیح مفصل این دو نوع از جرم سیاسی اشاره شده است. موسسه حقوق بین المللی در سال ۱۹۸۲ تعریفی سلبی از جرم سیاسی ارائه داده است که بدین معنا می باشد: «جرایمی که بر ضد مبانی هرگونه تشکیلات اجتماعی ارتکاب یابد و هدف آن یک کشور معین و با شکل خاص آن حکومت نباشد جرم سیاسی به شمار نمی آید». پس با توجه به تعریف اخیر الذکر باید هدف مرتکب کشوری معین یا شکل خاصی از حکومت باشد، جرم سیاسی محسوب می شود در غیر این صورت جرم سیاسی نیست (هاشمی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۵).

۵-۱- جرایم سیاسی غیر خشونت بار

اگر چه نهادهای مجری قانون و امنیت ملی سعی می کنند از طریق قوانین جزایی سنتی مجازات هایی برای مجرمان سیاسی تعیین کنند^۱، چهار جرم سیاسی غیرخشونت بر ضد نظام وجود دارد که نه همگان، بلکه تنها برخی از دانشمندان، سیاست گذاران، سیاستمداران، فعالان سیاسی و حقوق دانان دوره معاصر آنها را به رسمیت شناخته اند. قبل از بررسی آنها به جرئت باید گفت که جرایمی نظیر خودداری از افشای خیانت^۲، و شرکت در گروه های جنایی^۳، از جرایمی هستند که به عنوان جرم سیاسی مخالفان به رسمیت شناخته شده اند، در حالی که محاکم قضایی در طول سه دهه اخیر نه ندرت توانسته اند متهمانی با این اتهامات پیدا کنند.

به طور کلی در بسیاری از مجموعه قوانین جزایی یا نهادهای حاکم امنیتی و اطلاعاتی کشورهای پیشرفته صنعتی جای براندازی، فتنه انگیزی، خیانت و جاسوسی خالی است. همه این اعمال از بدو تشکیل نخستین حکومت وجود داشته اند، لیکن در کشورهای مختلف تدوین قوانین آنها در موقعیت های قانونی به پیچیدگی تدوین آنها و دسترسی به ساز و کارهای جانشین برای فرو نشاندن مخالفت ها بستگی داشته است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۷، ص ۹۵).

^۱ - به عنوان مثال برای بررسی سابقه قوانین مربوط به جرایم مخالف حکومت در کانادا به کانادا (a,b1986) و برای سابقه قوانین مربوط به حمایت از جرایم سیاسی علیه حکومت در ایالات متحد امریکا، به کیتری و ودلاک (۱۹۸۶) مراجعه کنید.

^۲ - به طور خلاصه یعنی «پنهان سازی یا افشا نکردن خیانت شناخته شده به دیگری».

^۳ - به طور مختصر، طرفداری از به کارگیری اعمال غیر قانونی به عنوان وسیله ایجاد تغییر در مالکیت صنعتی یا کنترل تحول

سیاسی (همان جا).

مقوله بندی آنچه جرم سیاسی مخالفان را می سازد، بسته به نوع دموکراسی‌های انگلیسی آمریکایی با یکدیگر تفاوت دارد، اما برای بررسی موضوع در بافت اصلی خود، باید اذعان داشت اغلب قوانینی که از انگلیس سرچشمه گرفته اند به راحتی هنگام تدوین قوانین جزایی براساس شرایط و بافت کشورهای آمریکا و کانادا، در همان کشورها تکمیل شدند. اگرچه بریتانیای کبیر برای خود مجموعه قوانین جزایی (مستقلی ندارد، کانادا دارای مجموعه قوانین مرکزی و چندین مورد تقنین مرتبط و مخصوص به خود است. طرف دیگر در حالی که در آمریکا بسیاری از مجموعه قوانین جزایی ایالت‌ها شامل جرایم سیاسی نیز می شوند، در کمیسیون احکام جزایی، جرایمی چون جرم ملی، خیانت خرابکارانه جاسوسی و جرایم وابسته، فرار از خدمت سربازی، ممنوعیت داد و ستدهای مالی و صادرات انرژی هسته ای در سطح دولت مرکزی در فهرست جرایم سیاسی جای می گیرند. در انگلیس نیز می توان بسیاری از جرایم سیاسی را در مجموعه قوانین مربوط به اسرار حکومتی یافت. این قوانین بیشتر شامل حوزه هایی هستند که حکومت مایل نیست در آنها تهدید یا مناقشه زیادی درباره موضوعات خاص و حساس امنیتی صورت گیرد. به علاوه، بسیاری از همین جرایم سیاسی در در قوانین ضد تروریسم و قانون های اضطراری مرتبط با مشکلات ایرلند جنوبی نیز تعریف شده اند. خیانت یکی از قدیمی ترین جرایم سیاسی است (عباسی، ۱۳۷۳، ص ۸۷).

۲-۵- جرایم سیاسی خشونت بار

بعضی از جرایم سیاسی با انگیزه شرافت‌مندانه و خیرخواهانه صورت می‌گیرد، اما گاهی رنگ خشونت و حتی مرگ نیز به خود می‌گیرد که در مبحث ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱-۲-۵- جرایم سیاسی خشونت بار مخالفان

برداشت رسانه‌های گروهی، مقامات عمومی و کارشناسان دست اندر کار تروریسم بین‌المللی این است که پدیده تروریسم روند افزایشی دارد. در بیشتر موارد، افزایش تروریسم بسیار واقعی‌تر از دغدغه‌های تصنعی است که رسانه‌های برتر یا توجیهات علمی به وجود آورده اند.

از ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱، در مجموع شاهد ۹۵۴۲ حادثه تروریستی بین‌المللی بوده ایم که کمترین آن، ۲۷۲ واقعه در ۱۹۹۸ و بالاترین آن ۶۶۶ حادثه در ۱۹۸۷ بوده است. اما برخلاف آنچه رسانه‌ها مطرح کردند، این افزایش، طولی نبوده است (لواسور، ۱۳۶۹، ص ۱۹۰).

در طول دو دهه و نیم گذشته این روند، رشد ناهمواری را با چندین نقطه اوج و افول پشت سر گذاشته است. جای تعجب نیست که تاریخ تروریسم بارها سیر صعودی طی کرده که بخشی از آن به دلیل وجود عوامل کلی دخیل در ایجاد یا افول آن بوده است. در نزدیک‌ترین دوره تاریخی، یعنی سال ۲۰۰۱ که آمارهای آن هنوز موجود است، تعداد کلی حوادث تروریستی به سطح ۳۴۸ مورد رسید که ۷۸ مورد کمتر

از سال ۲۰۰۰ بود و از لحاظ تعداد اقدامات تروریستی دهه گذشته، در ردیف پنجم قرار دارد (محمدی جورکویه، ۱۳۸۳، ص ۲۱۵).

اما شدت همه حوادث تروریستی یکسان نبوده است. مثلاً، از حادثه حمله به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌توان دریافت که شیب رو به بالای این روند چنان تند شده است که تاریخ تروریسم آزمونی شدیدتر از این را تاکنون طی نکرده بود. میان افزایش حجم فعالیت های تروریستی و میزان گسترش جغرافیایی آن نوعی هماهنگی وجود دارد. تعداد کشورهایی که هر ساله نوعی از فعالیت تروریستی را تجربه می‌کنند به تدریج رو به افزایش است. حوادث تروریستی بین‌المللی از اواخر دهه ۱۹۶۰، هر سال به طور متوسط در ۲۹ کشور اتفاق افتاده است. این رقم به ۳۹ کشور در اوایل دهه ۱۹۷۰ و ۴۳ کشور در اواخر دهه ۱۹۷۰ رسیده بود. میانگین تعداد کشورهایی که در سه سال اول دهه ۱۹۸۰ حوادث تروریستی بین‌المللی را تجربه کردند ۵۱ کشور بود و در دوره ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۵ این رقم به ۶۵ کشور افزایش یافت. اگرچه سراسر دنیا با پدیده تروریسم مواجه می‌شوند، تعداد زیادی از کشورها اخیراً میزان نامتناسبی از تروریسم مواجه می‌شوند، تعداد زیادی از کشورها اخیراً میزان نامتناسبی از تروریسم جهانی را تجربه می‌کنند (هاشمی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۴).

۵-۲-۲- تروریسم

از زمان قتل پادشاه یوگسلاوی و رئیس جمهوری فرانسه به نام بارتو در سال ۱۹۳۴، تروریسم مورد توجه قرار گرفت و دولت‌ها همکاری خود را برای مبارزه با چنین جرایمی آغاز نمودند. در اصطلاح حقوق بین‌الملل تروریسم دارای یک مفهوم و معنای خاص حقوقی نیست، بلکه مواردی از قبیل جرایم دولت علیه دیپلمات‌ها علیه افراد مورد حمایت مثل شهروندان در زمان جنگ، علیه افراد در خدمت دولت‌ها، علیه هواپیماها و کشتی‌ها و ... را شامل می‌شود. عناصر تروریسم عبارتند از ترور، خشونت‌هایی که باعث ایجاد رعب و وحشت در بین مردم باشد و هدف سیاسی که مرتبط با قدرت است (افراسیابی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۶).

تروریسم در قوانین اغلب کشورهای دنیا از جرایم عمومی تلقی شده است و مقررات سختی درباره تروریست‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود. در کنفرانس ۱۹۳۷ میلادی ژنو دو کنوانسیون به تصویب رسید؛ کنوانسیون اول، مربوط به جلوگیری و مجازات بین‌المللی تروریسم بود. کنوانسیون دوم، تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای محاکمه و مجازات تروریسم پیش‌بینی کرد (افراسیابی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۵). البته در کنفرانس کپنهاگ در سال ۱۹۳۵ این مطلب به تصویب رسید که: جرایمی که خطر عمومی، یا حالت ترس و وحشت ایجاد کند، جزء جرایم سیاسی محسوب نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

انکار یا بی‌توجهی به جرایم سیاسی از میزان آن نمی‌کاهد. تنها سبب تضييع حقوق متهمین سیاسی و نارضایتی در جامعه می‌گردد. از طرفی تعریف جرم سیاسی و تعیین حدود آن سبب می‌شود که حقوق و آزادی‌های فردی شناخته شده و مشخص و مرزهای آن از جرایم سیاسی و نتیجتاً اعتراضات و مخالفت‌های مردمی کانالیزه شود. تجربه نشان داده است تنها حکومت‌هایی دوام یافته‌اند که همواره حقوق ملت را رعایت کرده و از استبداد پرهیز نموده‌اند. لذا برای جلوگیری از هرگونه بدبینی نسبت به نظام حاکم چه از دیدگاه آحاد مردم و چه از دیدگاه بین‌المللی، اقدام لازم جهت اجرای ضوابط مندرج در قانون اساسی در خصوص جرم سیاسی، و در قانونمند کردن هرچه سریع‌تر این پدیده، ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه قانون اساسی در اصل ۱۶۸ جرم سیاسی را مورد تأکید قرار داده و با توجه به اینکه تا قبل از تصویب قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ به صورت قانونی، جرم سیاسی تعریف نشده و مصادیق آن توسط قانون-گذار معین نشده بود، لذا تعاریف و مصادیق زیادی از جرم سیاسی در آثار دکترین حقوقی مشاهده می‌شد که بالاخره در سال ۱۳۹۵، قانون جرم سیاسی لازم‌الاجراء شد و خلاء موجود در رابطه با جرم سیاسی را پر کرد. با وضع این قانون تمام فرایند شکلی که پیش از این در قوانین وجود داشت، عرصه ای برای اجرا و ظهور و بروز پیدا کرد و حضور دادگاه کیفری یک با سه قاضی که مقامات و دادگاه صالح برای رسیدگی به این جرم شناخته شدند تا حدودی ورود دادگاه انقلاب به این امر را محدود کرد، همچنین تکلیف مواردی که جرم سیاسی تلقی میشود مشخص شده و مجازات‌های متناسب آن نیز وضع گردید تا متهمین به واسطه جرم سیاسی با مجازات‌های سنگین و یا حدی روبرو نشوند. رعایت حقوق متهمین، تفهیم اتهام، رفتار ضابطین، نگهداری در زندان و دسترسی به وکیل و ... نیز از مواردی بود که در قوانین آیین دادرسی کیفری جدید و قانون جرم سیاسی برای این دست از متهمین پیش بینی و اجرایی گردید. تصویب این قانون به توجه و تمرکز بر روی زندانیان سیاسی و وضعیت آنها و رعایت حقوق حقه آنها کمک شایانی نمود و باعث شد رسانه‌ها امور رسیدگی به این جرایم را که علنی و با حضور هیات منصفه هستند رصد کنند. برخی از اسناد بین‌المللی عام وجود دارند که به‌طور ضمنی بعضی از جرائم را از حیطه جرم سیاسی خارج ساخته‌اند. به عنوان مثال موسسه حقوق بین‌الملل ژنو در سال ۱۹۸۲ درباره استثنائات وارده بر جرائم سیاسی بیان می‌دارد: جرائمی که بر ضد مبانی هرگونه تشکیلات اجتماعی ارتکاب یابند و هدف آن یک کشور معین و شکل خاصی از حکومت نباشند، جرم سیاسی به شمار نمی‌آیند. همچنین کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد که به تبیین جرائم فساد مالی و ارتشاء و اختلاس ارگان‌های دولتی و خصوصی می‌پردازد. ماده ۴۴ این کنوانسیون جرائم مندرج در این سند را از مصادیق جرم سیاسی خارج ساخته است. به علاوه کنوانسیون اروپایی ۱۹۷۷ استراسبورگ جرائم خاص تروریستی را به علت جلوگیری از فرار مجرمان و قابل استرداد بودن آنها از مقوله جرائم سیاسی خارج کرده است. همانطور که در اسناد فوق اشاره شد جرم سیاسی در اسناد بین‌المللی هم به صورت صریح و هم به صورت ضمنی بیان شده است. نظام‌های حقوقی غربی، که در موضوع تفکیک جرم سیاسی از غیر آن معیار و مرجع دیگر نظام‌های حقوقی بوده‌اند،

در مواجهه با پدیده جرم سیاسی به جهات نظری و تقنینی رویکردهای متفاوت داشته‌اند. آنچه اما، در همه این نظام‌ها مشترک است به رسمیت شناختن پدیده جرم سیاسی است. در مقام عمل، به خصوص در مواردی که پای استرداد مجرمان در صحنه روابط و مناسبات بین‌الملل در میان است؛ به طوری که همه دولت‌ها با هر رویکرد نظری و تقنینی، ناگزیر از اتخاذ رویه یا رویه‌هایی در رسیدگی به پرونده‌های استرداد بوده‌اند.

منابع

کتاب فارسی

- ۱- احمدوند، محمدطاهر. (۱۳۸۴). حرکت‌های معکوس (جرم سیاسی بغات و محاربان در فقه و قوانین موضوعه)، قم: انتشارات آل طاهر.
- ۲- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۰). مفهوم جرم سیاسی در غرب، مجموعه همایش‌های هیئت پی‌گیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، به کوشش حسین مهرپرور، ج ۱، انتشارات موسسه اطلاعات.
- ۳- افراسیابی، محمداسماعیل. (۱۳۷۶). حقوق جزای عمومی، چاپ دوم.
- ۴- ایمانی، عباس. (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، آریان.
- ۵- پاشا صالح، علی. (۱۳۹۵). سرگذشت قانون: مباحثی از تاریخ حقوق: دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- ۶- پیوندی، غلامرضا. (۱۳۸۲). جرم سیاسی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
- ۷- رفسنجانی مقدم، حسین و حسن پور، معصومه (۱۳۹۵). ترمینولوژی تنقیح قوانین، تهران، موسسه فرهنگی بهینه.
- ۸- عباسی، محمود. (۱۳۷۳). استرداد مجرمین، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- ۹- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد. (۱۳۸۷). مفهوم جرم سیاسی در حقوق بین‌الملل و فقه امامیه، مجموعه مباحث همایش‌های هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، ج ۱، به کوشش حسین مهرپرور، انتشارات موسسه اطلاعات.
- ۱۰- محمدی جورکویه، علی. (۱۳۸۳). مطالعه تطبیقی جرم سیاسی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- ۱۱- معتمد، علی. (۱۳۶۷). حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ اول.

- ۱۲- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۰). «جرم سیاسی»، مجله: پژوهشهای مدیریت راهبردی»، شماره ۲۵ و ۲۶.
- ۱۳- بورتیمور، سعید. (۱۳۷۷). طرح و نقد جرم سیاسی در نظام حقوقی کشور، نشریه ی مجله ی حقوقی قضایی دادگستری.
- ۱۴- رحمانی، قدرت الله. (۱۳۹۵). تعریف جرم سیاسی؛ الزام غیرمصلحت گرایانه قانون اساسی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دانشگاه تهران، شماره ۴.
- ۱۵- لواسور، ژرژ. (۱۳۶۹). مسأله جرم سیاسی در حقوق استرداد مجرمان، ترجمه مصطفی رحیکی، مجله کانون وکلاء، شماره ۱۵۲ و ۱۵۳.
- ۱۶- هاشمی، سمانه. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی جرم سیاسی در فقه و حقوق بین الملل»، محل انتشار: نخستین کنگره بین المللی حقوق ایران، کد مقاله: LAWI-۰۱-۰۶۱.